

«وقایع اسرائیلیه» از روند برگزاری و نتایج انتخابات پارلمانی در سوریه گزارش می دهد

انتخاباتی با ۷ هزار شرکت کننده



ناعمه اصفهانیان

انتخابات اخیر پارلمانی سوریه در شرایطی برگزار شد که این کشور هنوز درگیر پیامدهای طولانی مدت جنگ داخلی، فروپاشی اقتصادی، حضور نیروهای خارجی و بحران اعتماد عمومی است. حکومت موقت سوریه این انتخابات را نشانه بازگشت ثبات و استمرار حاکمیت ملی توصیف کرد، اما ماهیت فنی برگزاری، میزان مشارکت واقعی و واکنش جریان های داخلی و خارجی نشان می دهد که این انتخابات بیش از آنکه پاسخ گوی خواست جامعه باشد تلاشی برای تثبیت موقعیت شورشیان حاکم برای مدیریت بحران مشروعیت در داخل و بیرون از مرزهای سوریه بود.

ناگهان انتخابات

سوریه، پس از یک دهه و نیم جنگ داخلی و به دنبال سقوط غیرمنتظره دولت بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴، در روز یکشنبه ۵ اکتبر شاهد برگزاری اولین انتخابات پارلمانی خود بود؛ رخدادی که دولت انتقالی آن را «نقطه عطفی در مسیر بازسازی کشور» خواند، اما منتقدان با افاصله آن را با عبارت «نمایش کنترل شده» معرفی کردند. این انتخابات برای تعیین اعضای «مجلس خلق» جدید که وظیفه قانون گذاری در دوران گذار را بر عهده خواهد داشت تحت نظارت دولت موقت به رهبری ابومحمد الجولانی برگزار شد.

فرایند انتخابات

بیش از ۱۵۰۰ نامزد عمدتاً از جریان های انقلابی و سنی ثبت نام و تایید شدند. شرط کلیدی برای ثبت نام عدم ارتباط با دولت اسد (مانند نمایندگان سابق مگر استعفا یا فرار کرده باشند) و عدم حمایت از تجزیه طلبی بود. برای رای گیری کشور به چند حوزه انتخاباتی تقسیم شد؛ اما این تقسیم بندی بر اساس واقعیت جمعیتی کنونی نبود، بلکه متناسب با مناطق تحت کنترل دولت طراحی شده بود. مناطق کردنشین، بخش هایی از ادلب،عفرین و نوار مرزی تحت کنترل ترکیه عملاً از فرایند رای گیری حذف شدند. انتخابات در شمال شرق کشور (تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه - SDF، عمدتاً کردها)، السویدا (دروزها) و بخش هایی از رقه و الحسکه به تعویق افتاد. ۲۱ کرسی خالی ماند تا شرایط برای رای گیری مساعد شود. این تعویق، بخشی از توافق مارس ۲۰۲۵ برای ادغام SDF در ساختار دولتی است. رای دهندگان آواره (بیش از ۵ میلیون نفر خارج از کشور و ۶ میلیون آواره داخلی) در سامانه رسمی رای گیری حضور نداشتند و حتی در سفارتخانه هانیز امکان رای دهی برای همه فراهم نبود. در نتیجه انتخابات فقط در حدود ۶۰ درصد از قلمرو واقعی سوریه برگزار شد و ساختار رای دهی با واقعیت جمعیتی کشور منطبق نبود.

نظام انتخاباتی موقت؛ دوسوم غیرمستقیم یک سوم انتصابی

نحوه برگزاری این انتخابات بیش از هر چیز دیگری مورد توجه و البته انتقاد قرار گرفته است. برخلاف هرگونه استاندارد دموکراتیک، این رای گیری بدون مشارکت مستقیم عموم مردم انجام شد. از مجموع ۲۱۰ کرسی پارلمان، دوسوم (۱۴۰ کرسی) به صورت غیرمستقیم انتخاب شدند. رای دهندگان در این فرایند حدود ۷۰۰۰ نفر از «هیئت های انتخاباتی منطقه ای» شامل چهره های سرشناس و کارشناسان محلی بودند. در واقع، این چهره ها به جای میلیون ها سوری، پای صندوق ها رفتند. یک سوم باقی مانده کرسی ها (۷۰ کرسی) نیز مستقیماً توسط جولانی، رئیس جمهور موقت منصوب خواهند شد.

مقامات کمیته عالی انتخابات دلیل این شیوه موقت و غیرمستقیم را «افقدان زیرساخت های لازم برای برگزاری انتخابات مستقیم»، «آوارگی گسترده میلیون ها نفر» و «پنچیدگی های امنیتی» پس از جنگ طولانی مدت اعلام کردند. این رویکرد هرچند عملی تلقی می شود؛ اما از سوی منتقدان به عنوان ابزاری برای کنترل قدرت توسط جولانی و متحدان سنی محور او (عمدتاً از جبهه النصره

سابق) عنوان شده است. انتخابات در ۵۰ حوزه از ۱۱ استان (به جز الحسکه، رقه و السویدا به دلایل امنیتی) برگزار شد و حدود ۷۰۰۰ نفر رای دهنده از میان ۱۵۷۸ نامزد، صاحبان ۱۴۰ کرسی را تعیین کردند.

پارلمانی تحریرالشامی

نتایج اولیه در ۶ اکتبر اعلام و فهرست نهایی در روزهای بعد به این شرح تکمیل شد:

۱۱۹ نفر از ۱۴۰ کرسی از طریق رأی غیرمستقیم هیئت های انتخاباتی برگزیده شدند و ۲۱ کرسی باقی مانده مربوط به استان های سویدا، رقه، الحسکه و منطقه عین العرب (کوبانی) بود که انتخابات در آن ها به تعویق افتاده است. ۷۰ کرسی نیز توسط جولانی منصوب خواهند شد و دولت قول داده است که برای جبران کمبود تعداد زنان و اقلیت ها از آن استفاده شود. استان ها و تعداد کرسی های انتخاب شده از این قرار بود: حلب ۳۰، ریف دمشق ۱۲، حمص ۱۲، حماه ۱۲، ادلب ۱۲، دمشق ۱۰، در الزور ۱۰، لاذقیه ۷، طرطوس ۵ و قنيطرة ۳ کرسی در این انتخابات کسب کردند. در مجموع، سهم استان ها با آمار جمعیتی دقیق تطابق کامل نداشت؛ مثلاً حلب ۳ کرسی کمتر از سهم واقعی و برخی مناطق مانند ریف دمشق، قنيطرة و السویدا یک کرسی اضافه گرفتند. در مجموع عرب ها ۱۱۱ نفر (بیش از ۹۳ درصد)، کردها ۴ نفر (حدود ۳ درصد)، ترک ها ۴ نفر (حدود ۳ درصد)، مسیحیان ۱ نفر (فقط در صافیتا) و مسلمانان ۱۱۸ نفر (از جمله ۱۱۳ سنی، ۳ علوی و ۲ اسماعیلی) را راهی پارلمان سوریه کردند. دروزی و سایر اقلیت ها تقریباً نماینده ای نداشتند. به لحاظ جنسیتی نیز مردان ۱۱۳ کرسی (۹۵ درصد) و زنان ۶ کرسی (حدود ۵ درصد) از مجلس را به خود اختصاص دادند. در شهرهای بزرگ مانند دمشق و حلب هیچ زن برنده ای وجود نداشت. به طور کلی نتایج نشان دهنده تسلط جریان های نزدیک به HTS (تحریر الشام) در پارلمان است زیرا اکثر نامزدان نزدیک به حزب حاکم یا وابسته به دولت بودند. مجلس تقریباً یک دست و نزدیک به جریان راست میانه و اسلام گرایان میانی است. نوار نجمه، سخنگوی کمیته رای گیری با افاصله بعد از اعلام نتایج، آن را عادلانه خواند؛ اما کمبود زنان و مسیحیان را نقص جدی انتخابات بیان کرد.

واکنش جریان های داخلی و خارجی

در سطح داخلی بخش هایی از جامعه شهری که به ثبات نسبی نیاز دارند یا به دولت وابستگی اقتصادی دارند در انتخابات مشارکت کردند و جولانی از این انتخابات به عنوان ابزاری برای جلب مشروعیت استفاده می کند؛ اما از یک سو نتایج اولیه حاکی از پیروزی تنها تعداد معدودی نامزد زن و نمایندگان اقلیت ها (از جمله مسیحیان) بوده است و این وضعیت زنگ خطری است مبنی بر اینکه پارلمان جدید ممکن است بازتاب دهنده تنوع جمعیتی واقعی سوریه نباشد و از سوی دیگر تعویق انتخابات در استان هایی مانند سویدا، رقه و حسکه به دلیل «چالش های امنیتی» نشان می دهد که دولت موقت هنوز بر کل قلمرو سوریه تسلط کامل ندارد و شکاف های عمیق منطقه ای و قومیتی همچنان یک تهدید جدی باقی مانده است. نیروهای کرد مستقر در شمال شرق سوریه نیز اعلام کردند این انتخابات را به رسمیت نمی شناسند؛ زیرا قانون اساسی جدیدی تدوین نشده و آینده ساختار قدرت نامعلوم است. اپوزیسیون خارج از کشور هم این انتخابات را «نمایشی» توصیف کرد. حسن هاشمیان، تحلیلگر جهان عرب نیز در مصاحبه با رسانه ها گفت: «این انتخابات بازتاب دهنده رأی واقعی مردم سوریه نیست و

نباید از آن به عنوان سند دموکراسی سوء استفاده شود. بخش بزرگی از پارلمان یا به طور غیرمستقیم توسط جمع محدودی از نخبگان انتخاب یا مستقیماً توسط جولانی منصوب می شود. این خطر بازتولید تمرکز قدرت را به همراه دارد.» از منظر ژئوپلیتیک، انتخابات به جولانی مشروعیت داخلی داد. ولادیمیر پوتین این انتخابات را تقویت کننده احزاب تلقی کرد. مسکو بر این باور است که تقویت نهادهای رسمی دمشق، ابزار اصلی جلوگیری از نفوذ غرب و ترکیه است. ایران درحالی که نگران تسلط HTS است، انتخابات را گامی در جهت ثبات منطقه ای ارزیابی کرد. در مقابل، ایالات متحده انتخابات را فاقد اعتبار دانست و تأکید کرد هیچ روند سیاسی واقعی بدون انتقال قدرت و تدوین قانون اساسی جدید قابل قبول نیست. اتحادیه اروپا نیز در بیانیه ای مشابه اعلام کرد که انتخابات سوریه با قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت که بر لزوم فرایند سیاسی جامع و مشارکت همه گروه ها تأکید دارد، همخوانی ندارد.

کشورهای عربی نیز واکنشی دوگانه داشتند. امارات و بحرین سکوت نسبی اختیار کرده و از درگیری مستقیم در موضوع اجتناب کردند، زیرا به دنبال ازسرگیری روابط بادمشق برای مهار نفوذ ترکیه و جلوگیری از بازگشت داعش هستند. در مقابل، عربستان و قطر این انتخابات را فاقد مشروعیت دانستند و بر ضرورت اصلاح ساختار قدرت و خروج نیروهای خارجی تأکید کردند.

گذر به دموکراسی یا تثبیت دیکتاتوری

انتخابات ۲۰۲۵ سوریه، الجولانی را در جایگاه تثبیت کننده قدرت قرار داد؛ اما بدون ادغام اقلیت ها و رأی گیری مستقیم، خطر تنش های قومی و تجزیه افزایش می یابد. این انتخابات نه پایان گذار، بلکه آغاز چالش های واقعی است، جایی که ثبات بدون عدالت، پایدار نخواهد ماند. پارلمان جدید سوریه یک آزمون دشوار برای ابومحمد الجولانی است تا ثابت کند آیا واقعاً هدف او گذر به دموکراسی است یا صرفاً جایگزین کردن یک ساختار قدرت متمرکز با ساختاری دیگر در پوشش دولت انتقالی. جامعه سوریه و جهان با دقت نظاره گر عملکرد این نهاد جدید و اقدامات دولت موقت در ماه های آتی خواهند بود.

حضور ابومحمد الجولانی و همسرش در پای صندوق های رای در دمشق ۵ اکتبر ۲۰۲۵

